



یکی از موفق‌ترین و برجسته‌ترین غزلیه‌ها در این کتاب است. غزلیه‌ها در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران به دنیا آمدند و در سال ۱۳۷۰ هجری قمری درگذشتند. او در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۰ هجری قمری درگذشت. او در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۰ هجری قمری درگذشت.

یک فرسائی نمی‌ماند بر قلب و کشتن عدوی است. قدر خدایانی، قاب و کین از اوست است که
 کاه و خنای پر و موق پرده اوست مشکوفی است که از لای زنده و بی‌بای خود است.

شکوفی است *

دفا کمردی و کردم، جهانمیدی دیدم	شکستی و شکستم، بریدی و نبریدم
اگر ز خلق، علامت و کر ز کرد و بند است	کشیدم از تو کشیدم، بشنیدم از تو شنیدم
کی امره شکوفی است که در جوی تو بر	پشتم نامه شکفتم، پردهی شکوه و دیدم
مرانصیب غم آمد، به شادی همه عالم	چرا که از همه عالم محبت تو کردیم

چو شمع خنده مگر دی بگر به دوزیایم	چو بخت جلو مگر دی بگر ز موی پسیدم
به جز وفا و عنایت، نماند در همه عالم	نه راستی که نبردیم، ملاستی که ندیدیم
نبود از تو گزیری چنین که بار غم دل	ز دست سگوه گرفتیم، به دوش ناله کشیدم
جوانی ام به سینه شتاب می شد و از پی	چو کرد در قدم او، دو دیدم و نرسیدم
به روی بخت ز دید و ز چهر عمر کردون	کسی چو اسف نشتیم، کسی چو رنک پدیدم
و فاک مگر دی و کردیم به سر نبردی و بردم	ثبات عمده دیدی ای فروغ امیدم

توضیحات:

- ۱ - به من همه چیز رسید به جز وفا و عنایت تو.
- ۲ - در این بیت دو بخشِ مصراع دوم، برای هر دو بخشِ مصراع اولِ مصداق دارد.

خودآزمایی:

- ۱ - به نظر شما زیبایی‌های عمده‌ی این شعر کدام‌اند؟
- ۲ - چهار نمونه تشخیص (روح بخشیدن به اشیای بی‌جان) را در این شعر بیابید.
- ۳ - «جلوه کردن بخت از موی سپید» یعنی چه؟
- ۴ - چرا شاعر خود را برای رسیدن به جوانی، به گرد تشبیه کرده است؟
- ۵ - چرا شاعر سهم خویش را از عمر، تنها غم می‌داند؟
- ۶ - نمونه‌ای از ابهام یا ابهام تناسب را در این شعر بیابید.
- ۷ - به نظر شما زیباترین بیت - بیت‌الغزل - این شعر کدام است؟



سخن براتی ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ : شاعرین قزاقی پس از انقلاب سردی است. یک
 ماه دوری شعر پس از انقلاب کی وژ و داشت... انی زبان اسپرکوی تا شیر پزین
 زنجیرا غنای معنوی انقلاب و اندیشه‌های پویا را از یکدیگر دوری شعر براتی است. اما...
 و سنجیده و زیاده‌روی نماند. از این شعرها آن‌ها... و...
 به‌جای بی‌دست شعرها از اندیشه‌های امی و غنای شعرها. ای انقلاب که دست
 در این شعرها تحسین و شغنی... و...
 گفتن حکم بر آن‌ها... است

پیش از تو...

شب بلند بود و حرارت فردا شدن نداشت	پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت
انادینغ زبر روی دریا شدن نداشت	بسیار بود رود در آن برنخ کبود
حتی عطف اجاز روی زریبا شدن نداشت	در آن کوی رسوخست. آن خاک بی بهار
بی تو دلی زریه کی پیدا شدن نداشت	کلم بود در عینت زمین سشازی بهار

دل‌افراک‌چه صاف، ولی از براس سنگ
آینه بود و میل تماشا شدن نداشت

چون عتد و امی به نفس فرو بود حرف نشن

این عتد و تا همیشه سروا شدن نداشت

خود آزمایی:

- ۱- منظور کلی بیت پنجم چیست؟
- ۲- شاعر از کدام عناصر طبیعی برای توصیف بهره گرفته است؟
- ۳- منظور از «برخ کبود» چیست؟
- ۴- این شعر از کدام نوع توصیف به‌شمار می‌آید؟

مناسبات ..

ایمی به فرست آیم نام که تو خوانی و به فرست آیم صفت که تو منانی . در یک کیمی توانی .

ایمی بحر خود به کرام و برین خود به اگر و هر کلمتی در زبان کرمه . در بند خود درین کرمه .

ایمی . فاجعه و سگند و اند : از آن چه دارم و اند و از آن چه اند و دارم .

ایمی . اگر تو مرا خواهی منی آن خواهی . شکر که تو خواهی .

ایمی . پرشت و حور چه نازم ، ما دید و ای دو کما از به نه بشی ما زوم .

ایمی . در دل منی با جز آنکه محبت بخار و بر جان منی با جز الطاف و رحمت خدا ، شکر و

پرشت پیوستی و جز با درین رحمت خود بسیار به لطف . ما ز دست کیمه و کرمه . پیوستی در این حجاب

از راه بردار و ما را با کف دست

مجموعی . سین فارسی . که چه میدان انصاری .

درین شعر